

زندگی به سبک دوره قاجار در ۱۴۰۱!

آشنایی با دهستان «هرابرجان» که از زمان اولین تقسیمات کشوری در دوره قاجار، بافت و زندگی مردمش بدون تغییر باقی مانده و آداب و رسوم و بافت تاریخی شگفت انگیزی دارد

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۱

۲۸ ربیع الثانی ۱۴۴۴ • ۲۲ نوامبر ۲۰۲۲

شماره ۳۱۰۸۸

۳۳۰۸



مقاله استاد دانشگاه آکسفورد

در باره یک رسم هرابرجانی ها



این پژوهشگر درباره آداب و رسوم مردم در این روستا هم می گوید: «مردم در این روستا به فرهنگ های قدیم خودشان پایبند هستند و در گذر زندگی های شهری نشدند. مثلا ما در این جایک مراسم سنتی داریم به اسم «گم تلا» در هفتم فروردین که در بسیاری از سایت ها و خبرگزاری ها به اسم «گنبد طلا» نوشتند که اشتباه است. درباره نام گم تلا هم نظریات زیادی وجود دارد. مثلا برخی می گویند یک گنبد طلا این جا بوده و مفقود شده اما سندی برای آن وجود ندارد و مشخص نیست این گنبد در حوالی چه سال ها یا چه دوره ای وجود داشته و در چه دوره ای گنبدی به این بزرگی مفقود شده و چرا اکنون اثری از باقی مانده های آن نیست، اما از نظر لغت شناسی می توان احتمالاتی را در این باره مطرح کرد. مثلا واژه گم در زبان پارسی باستان به معنای رفیع و بلند است و تل هم به تپه های خاکی گفته می شود. با این ترکیب می توان گفت که گم تلا به معنای تپه های بلند است که محل برگزاری مراسم گم تلا نیز از حیث ویژگی های جغرافیایی با آن مطابقت دارد. هر سال، صبح هفتم فروردین، مردم این روستا در هر جایی که باشند، حتی اگر در خارج از کشور زندگی کنند، همه تلاش شان را می کنند تا به روستا بیایند. در این روز، غذاهای گیاهی پخته می شود، سازهای محلی نواخته می شود، تخم مرغ بازی دارند و... یک مراسم صبح است، یک مراسم هم عصر دارند. درباره طبخ آش های گیاهی، اهالی اجاق هایی را می آورند که نسل اندر نسل به آن ها رسیده و قدمت شان را هم نمی دانند. در غروب ۶ فروردین، مردم اجاق های خود را به سنت کهن و به ارث مانده از نیاکان خود تعمیر و آن را برای بامداد هفتم فروردین آماده می کنند و صبح زود پیش از طلوع خورشید آتش های خود را زیر آن روشن می کنند. این جشنواره محلی تا ظهر هفتم فروردین است و بعد مردم می روند برای استراحت. در عصر همان روز هم سنتی دارند که فقط در هند در محلی به همین نام گم تلا و منطقه ای از بدخشان تاجیکستان، نمونه اش را داریم. یک اتفاق هست که مردم در عصر، در آن آتش روشن می کنند و به آن پوزه می گویند. در آخر بینه هایشان را با دوده های حاصل از سوختن پوزه ها سیاه می کنند که این کار نشان دهنده آن است که هم در این مراسم شرکت کرده اند و هم به بینه های سیاه شده یکدیگر می خندند که بسیار جوشادی را ایجاد می کند. البته قبل از مراسم پوزه، اهالی روستا به قسمت پایین تر این منطقه جایی که در لفظ به آن «لاقلقلو» گفته می شود، می روند و از بالای تپه های گلی تا قسمت های پایین یکدیگر را هل می دهند و سر می خورند. زیبایی این مراسم به این است که مردم با لباس های نوری خاک سر می خورند و این نشان دهنده فروتنی انسان است که خاک را باور دارد و به خود غره نمی شود و ثابت می کنند که زیاد در گیر زرق و برق دنیا نشده اند. کتابی هست که یکی از استادان دانشگاه آکسفورد به اسم آقای نیولی نوشته است. در آن کتاب گفته شده که آریایی های اولیه تقریباً بین روزهای اول بهار تا نیمه ماه اول، مراسم داشتند برای پخت و پز غذاهای گیاهی. در این مراسم با پختن غذاهای گیاهی، آرزوی فصل پر بارش و باروری داشتند. از نظر تقویمی، آن زمانی که آقای نیولی می گوید، می تواند همزمان با همین مراسم باشد چون بین اول بهار تا نیمه ماه اول قرار دارد. این مراسم قدیمی، همچنان هر سال، پر شور برگزار می شود.»



مجید حسین زاده | روزنامه نگار

پرونده

اسم بسیاری از روستاهای کشور و تقسیم بندی آن ها بر اساس شهر، روستا، بخش و ... از سال ۱۲۸۵ که اولین تقسیمات کشوری (قانون تشکیل ایالات و ولایات) به صورت رسمی انجام شده، تغییر کرده است. علاوه بر آن، بافت روستاها، معماری خانه های شان و ... هم دستخوش تغییرات زیادی شده و به اصطلاح، امروزی و مدرن شده است، اما ماجرای روستای «هرابرجان»، کاملاً متفاوت است. از آن زمان یعنی سال ۱۲۸۵ تاکنون، «هرابرجان» دهستان مانده است و این روستا بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۴۰۰ همچنان مرکز این دهستان در تقسیمات کشوری تعریف شده است. اهالی بومی این منطقه برای بافت محل زندگی شان هم، تلاش کرده اند تا بدون تغییر از زمان اولین تقسیمات کشوری در دوره قاجار، باقی بماند. به همین بهانه و در پرونده امروز زندگی سلام، به سراغ یکی از اهالی آن که هم پژوهشگر و هم مسئول پایگاه خبری دهستان هرابرجان است، رفتیم تا اطلاعات بیشتری درباره این روستا، تاریخچه اش، ماجرای تغییر نکردنش از دوره قاجار و ... کسب کنیم.



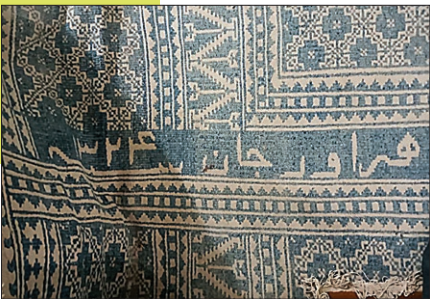
تمدن این روستا را ۵ هزار سال تخمین می زنند

همین تقسیمات فعلی می شود یعنی استان، شهرستان ... و این جا در زمانه استان فارس، شهرستان آباده، بخش یوانات، دهستان هرابرجان با مرکزیت روستای هرابرجان است. چون خود دهستان هرابرجان چندین تابعه دارد مانند ترکان، رحمت آباد و ... از آن زمان تاکنون، دهستان هرابرجان در تقسیمات سیاسی و کشوری همان طور مانده و از آن مهم تر، بافت تاریخی و معماری اش که از دوره قاجار دست نخورده است،

در بین سال های ۱۲۶۱ تا ۱۲۷۱ شمسی به دستور ناصرالدین شاه نوشته است، در آن جا هم اسم هرابرجان هست. از آن جا به قبل، سندی وجود ندارد که اسم روستا در آن نوشته شده باشد، اما از شواهدی که در منطقه است مانند مراسم سنتی و ... باستان شناسان سابقه تمدن این جا را تا ۵ هزار سال قبل هم تخمین زدند. گروه های سنگی ۵ هزار ساله از این موارد است. در دومین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۱۶ که شامل

هرابرجان از زمان اولین تقسیمات کشوری ایران در دوره قاجار بدون تغییر باقی مانده است. این پژوهشگر می گوید: «در اولین تقسیمات کشوری که در سال ۱۲۸۵ به صورت رسمی در کشور اتفاق افتاد، قانون تشکیل ایالات و ولایات، قریه هرابرجان در آن جازو ولایت آباده از ایالت فارس قرار گرفت. منتها از آن و در زمان ناصرالدین شاه، کتابی هست به نام فارس نامه ناصری، این را آقای مرحوم «حسن حسینی فسایی»

فرش ۱۲۰ ساله و برجی به جامانده از زندیه



به خطر بیندازد. از طرف دیگر، اگر این برج فرو بریزد، هویت روستای هرابرجان از بین می رود. بسیاری از بناهای تاریخی این روستا با این قدمت در این سال ها تخریب شده است و این برج، از معدود بازمانده هایی است که اگر تخریب بشود، از بناهای تاریخی این روستا دیگر چیزی باقی نخواهد ماند.»

سال می شود. خود مسجد جامع هرابرجان نیز یک بنای ثبت شده از دوره قاجار است که با همان اسکلت و ترکیب اولیه باقی مانده. قلعه در حال ویرانی حسین آباد هم از دیگر بناهای هرابرجان است. یک برج هم داریم به اسم برج اداره، قدمت آن هم بر اساس اطلاعاتی که میراث فرهنگی تخمین زده، به اواخر دوره زندیه برمی گردد یعنی قبل از پادشاهی قاجار هم این برج وجود داشته است. البته این برج متأسفانه در آستانه تخریب است و به رغم پیگیری ها و خبرسانی های متعدد اقدامی برای حفاظت از این بنای ثبت شده ملی انجام نشده است. شکاف هایی که در این برج افتاده است، بسیار خطرناک است مثلاً چون برج در مسیر به سمت صحرا و باغ های مردم است، ممکن است روی مردم بریزد و جان شان را

«عسکری» درباره آثار تاریخی این روستا هم می گوید: «مثلاً یک زیلو هست در مسجد جامع هرابرجان، بر اساس تاریخی که روی فرش تاریخ آن به قمری نوشته شده ۱۲۲۴ و با معادل سازی تقویمی قدمت آن ۱۲۰



بافت این روستا

از دوره قاجار

دست نخورده است

«یک قلعه در این روستا وجود داشته که امروز حسینییه در آن جا بنام شده است و می گویند به زمان ایلخانان برمی گردد. در این قلعه به سمت پایین، بافت قدیمی روستاست که از دوره قاجار دست نخورده است». عسکری با این مقدمه درباره وضعیت فعلی این بافت قدیمی در روستا می گوید: «اتفاق در سال های اخیر درباره این بافت سنتی افتاده است. یکی این که در ۴۰ یا ۵۰ سال اخیر، بسیاری از مردم هرابرجان برای زندگی به سمت شیراز یا یزد رفتند. مثلاً در شیراز در بولوار جمهوری شیراز، منطقه ای وجود دارد به اسم بابا کوهی که معروف است به منطقه هرابرجانی های شیراز. در بابا کوهی همه با هم آشنا و فامیل هستند و خیلی کم پیدا می شود که غیر هرابرجانی در آن جا ساکن باشد. الغرض خیلی از مردم روستا به شهر ها رفتند و نسل بعدی هم یعنی بچه های شان با این روستای با قدمت و دیدنی، ارتباط نگرفتند. اتفاق بعدی، باران های ۱۰ یا ۱۵ سال اخیر است. تا قبل از آن، بافت قدیمی روستا خیلی سالم تر بود اما متأسفانه چند لوله آب در خانه هایی که یا صاحبخانه در آن نبود یا فوت کرده بودند از این باران های شدید ترکید و تا چند ماه، کسی از آن اطلاعی نداشت تا این که پخش هایی از خانه هارایت و اهالی بعدش متوجه شدند. به همین دلیل، بخشی از بافت تاریخی تخریب شد و نیازمند رسیدگی فوری است.»



جمعیت هرابرجان سیال است

از مسئول پایگاه خبری دهستان هرابرجان درباره جمعیت و شغل اهالی این روستا می پرسیم که می گوید: «ببینید، جمعیت این جا سیال است. بسیاری از افراد این جا هستند که هم شیراز ساکن هستند و هم مثلاً آخر هفته به این جا می آیند. جمعیت ما بر اساس آخرین سرشماری که انجام شده، ۱۲۵۰ نفر بود اما بسیاری از آن ها می روند و می آیند. مثلاً فردی ۵ روز هفته، یزد است و پنجشنبه و جمعه به این جا می آید، یا شیراز است و ۳ ماه تابستان را به هرابرجان می آید

خلق و خوی هرابرجانی اصیل است

«مردم این جایک ویژگی مهمی که از گذشته داشتند و هنوز هم به آن پایبند هستند، این است که ظاهر و باطن شان یکی است. مثلاً شاید فردی از اهالی این روستا از دیگری ناراحت شود اما ظاهر و باطنش همین است و قرار نیست که برود و پشت سر طرف، چیزی بگوید. علاوه بر این، مردم هرابرجان در مهربانی، صداقت و صمیمیت اصیل روستایی شهره هستند». دکتر «عسکری» ادامه می دهد: «مردم شریف

هرابرجان، روستای نمونه کتاب خوانی کشور است



روستای هرابرجان هم به عنوان یکی از روستاهای نمونه کتاب خوانی در بین یازده روستای نمونه کشور قرار گرفته است. این پژوهشگر در این باره می گوید: «به طور کلی فعالیت فرهنگی در این روستا از قدیم مورد توجه اهالی بوده است. حتی دو شهید از شهدای عزیز این روستا هم فرهنگی بوده اند؛ حاج محمود و حاج مصیب یزدانی که اتفاقاً هر دو شهید هم برادر بوده اند. به همین دلیل در وصف روستا عبارت کهن دیار کتاب و قلم را استفاده کرده اند. اگر چه روستای هرابرجان از امکانات مخابرات و اینترنت برخوردار است اما در این روستا زندگی مردم در تلفن همراه و فضای مجازی خلاصه نشده و کتاب جایگاه ویژه ای دارد. در سال ۹۵ یا ۹۶ و همچنین در سال ۱۴۰۰